

بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه شهرستان خاش

خدانظر رحمت زهی^۱، عارف پاکزاد^۲، محمدرضا یارمحمدی^۳

^۱ مدرس دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری زاهدان

^۲ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خاش

^۳ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خاش

سرگروه گردآورندگان: محبوبه هاشم‌زهی، ساجده مقدم، حکیمه ایرندگان، عاطفه سارانی، فاطمه حیدری

چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان پایه ی اول متوسطه شهرستان خاش در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ پرداخته است. حجم نمونه مورد مطالعه شامل ۲۵۰ نفر، که ۱۰۰ پسر و ۱۵۰ دختر و از نوع نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که: بین خودکارآمدی دانش‌آموزانی که والدین آنها شیوه‌های فرزندپروری متفاوتی داشته‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. سلامت روانی دانش‌آموزانی که شیوه‌های فرزندپروری متفاوتی را تجربه کرده‌اند، بصورت معنی‌داری باهم تفاوت دارد. بین سلامت روانی و خودکارآمدی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین سلامت روانی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. شیوه فرزندپروری دانش‌آموزان با توجه به رشته تحصیلی آنها متفاوت است. خودکارآمدی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف متفاوت نمی‌باشد. دانش‌آموزانی که در رشته‌های مختلف تحصیل می‌کنند از نظر سلامت روانی تفاوت معنی‌داری باهم ندارند. بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر خودکارآمدی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، دانش‌آموزان متوسطه اول، خودکارآمدی، سلامت روانی

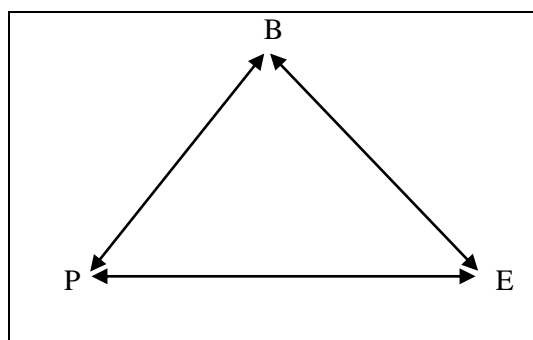
مقدمه

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال‌ها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره جهان فرا می‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌باشد. شیوه‌های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه‌ای از رفتارها که تعاملات والد - کودک را در طول دامنه‌ی گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و فرض شده است که یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد. شیوه‌های فرزندپروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان بازی می‌کند. بحث در مورد هریک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرش‌ها، رفتارها و شیوه‌های فرزندپروری تقریباً غیرممکن است. هرچند روانشناسان و نظریه‌پردازان بر نقش والدین و شیوه‌های فرزندپروری تأکید می‌کنند، تحقیقات خیلی کمی در مورد شیوه‌های فرزندپروری و آسیب‌شناسی روانی کودک به عمل آمده است.

تأثیر محیط خانواده بر رشد کودک اغلب به وسیله‌ی مشاهده تعامل والد - فرزند مورد بررسی قرار گرفته است. در این مشاهدات معمولاً ویژگی‌های رفتاری والدین به وسیله‌ی دو بعد ارزیابی شده است: الف) پذیرش (گرمی)، شامل حمایت و پرورش عاطفه‌ی مثبت بین والدین و کودک می‌باشد. ب) کنترل، شامل آن دسته از رفتارهای والدین است که رفتار کودک خود را هدایت می‌کنند مانند: راهنمایی و کنترل، بازدارنده یا تسهیل‌کننده. نظریه‌های روانشناختی متعددی در خلال سال‌ها سعی کردند تا رفتار آدمی را تبیین کنند. نظریه‌ی شناختی اجتماعی نیز یکی از این نظریه‌هاست. در سال ۱۹۸۶ بندورا این نظریه را در مورد عملکرد آدمیان مطرح کرد که در آن نقش باورهای خود را در شناخت، انگیزش، عاطفه و رفتار آدمی برجسته نمود. بندورا معتقد است که افراد یک نظم «خود» را می‌پروراند که آنها را قادر می‌سازد تا بر تفکرات، احساسات و اعمالشان مهار داشته باشند.

بندورا با دیدگاه‌هایی که به عوامل درونی موثر بر رفتار توجه می‌کنند و عوامل محیطی را نادیده می‌گیرند، مخالفت می‌کند و از دیدگاه‌هایی که انسان را پاسخ‌دهنده منفعل به رویدادهای محیطی می‌دانند نیز انتقاد می‌کند.

از نظر بندورا شخص، محیط و رفتار شخص برهم تأثیر و تأثر متقابل دارند و هیچ کدام از این سه جزء را نمی‌توان جدا از اجزای دیگر به عنوان تعیین‌کننده‌ی رفتار انسان به حساب آورد. بندورا این تعامل سه‌جانبه را جبر متقابل یا تعیین‌گری متقابل نامیده است (نقل از سیف، ۱۳۸۰).



شکل (۱) - تعامل سه‌جانبه شخص P، محیط E و رفتار B بر یکدیگر (اقتباس از هرگنهان، ۱۳۸۲)

بطور کلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روش‌های تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت بر شخصیت افراد در آینده دارند. مثلاً والدین سخت‌گیر و دیکتاتور مانع پیشرفت و خلاقیت کودک می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابراز وجود کند مانع بروز استعدادهای بالقوه او می‌شوند و در نتیجه این قبیل کودکان در آینده افرادی روان‌آزرده و پرخاشگر خواهند شد (نقل از مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۷۹). با توجه به اینکه شیوه‌های فرزندپروری والدین، نحوه تربیت والدین را به کودکان منتقل می‌کنند و این امر در شکل‌گیری شخصیت فرد مؤثر است و نیز نظر فرد نسبت به خود می‌تواند بر سلامت روان تأثیر زیادی داشته باشد این پژوهش به بررسی شیوه‌های فرزندپروری، خود کارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان متوسطه اول شهرستان خاش پرداخته تا به سوالات و فرضیه‌های تحقیق پاسخ دهد.

پیشینه پژوهش

با توجه به سه متغیر مهم تحقیق یعنی شیوه‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و سلامت روان در این قسمت به بررسی نظرات ارائه شده و تحقیقات انجام یافته می‌پردازیم:

تحقیقات معاصر در شیوه‌های فرزندپروری از مطالعات «بامریند» روی کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. استنباط با مریند از شیوه‌های فرزندپروری بر روی یک رویکرد تیپ‌شناسی بنا شده است که بر روی ترکیب اعمال فرزندپروری متفاوت، متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزندپروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست‌های بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ‌های کودک به تأثیر والدین ایجاد می‌کند (دارلینگ و استینبرگ؛ به نقل از گلاسکو، ۱۹۹۷).

بامریند طی مطالعات خود در مورد ابعاد رفتاری والدین و تأثیر آن بر کودکان دریافت، والدین مستبد و قدرت‌طلب دارای فرزندان هستند که از نظر خویشترنداری در سطح متوسط قرار دارند ولی تا حدود زیادی گوشه‌گیر و به دیگران بی‌اعتنایی می‌کنند (نقل از ماسن، ۱۳۷۷). شیک (۱۹۹۹) در تحقیقی تأثیر والدین را بر سلامت روانی نوجوانان مورد مطالعه قرار داد. او در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ویژگی‌های والدین بصورت همزمان و طولی با سلامت روانی نوجوانان همبستگی دارد، ولی بطور کلی ویژگی‌های پدر تأثیر بیشتری بر سلامت نوجوانان داشت.

ری و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهشی کیفیت فرزندپروری والدین در نوجوانان مبتلا به اختلالات مقابله‌ای و کرداری را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش نوجوانان بهنجار در مقایسه با گروه‌های دو گروه دارای اختلال والدین خود را به عنوان کنترل‌کننده بی‌احساس می‌دانستند. پتیت، بیتز و داج (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای تأثیر حمایت‌های اولیه را روی سازگاری کودکان در مدرسه مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها حاکی از آن بود که حمایت‌کنندگی والدین موجب سازگاری بهتر در رابطه با مشکلاتی همچون مشکلات رفتاری، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی می‌گردد. کتانین و همکاران (۱۹۹۷) در تحقیقی که در مورد خلق و خوی کودکان و نگرش‌های فرزندپروری مادران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران هیجان‌های منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان را توسعه می‌دهد. بطور کلی اغلب تحقیقات نشان از تأثیر شیوه فرزندپروری والدین بر اخلاق، رفتار، شخصیت و عملکرد بعدی فرزندان دارند.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه مورد بررسی شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه پایه اول شهرستان خاش در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ می‌باشد که تعداد کل آنها ۵۶۵ بوده است. روش نمونه‌گیری این تحقیق از نوع نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای است. بدین صورت که ابتدا دانش‌آموزان به دو طبقه پسر و دختر تقسیم و سپس رشته تحصیلی نیز ملاک طبقه‌بندی قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

- جهت سنجش شیوه‌های فرزندپروری والدین از پرسشنامه‌ای که توسط نقاشیان در این زمینه براساس کار شیفر در شیراز تدوین شده است، استفاده گردید. این پرسشنامه ابعاد مختلف کنترل - آزادی و گرمی - سردی روابط خانوادگی را مورد سنجش قرار می‌دهد.

این مقیاس از آزمودنی‌ها می‌خواهد تا ابعاد کنترل و محبتی را که از والدین خود احساس می‌کنند، گزارش دهند. این مقیاس دارای ۷۷ سوال است که آزمودنی براساس یک مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم به سوالات پاسخ می‌دهد. سوالات از ۱ تا ۴۲ برای بعد کنترل است که در این قسمت هر فرد حداقل ۴۲ و حداکثر ۲۱۰ نمره می‌تواند کسب کند. سوالات ۴۳ تا ۷۷ بعد محبتی را می‌سنجد که هر فرد در این قسمت می‌تواند حداقل ۳۵ و حداکثر ۱۷۵ نمره اخذ نماید. والدین با ترکیب دو بعد فوق‌الذکر به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. والدین گرم و آزادگذارنده (سهل‌گیر)

۲. والدین گرم و کنترل‌کننده (مقتدر)

۳. والدین سرد و آزادگذارنده (بی‌اعتنا یا مسامحه‌گر)

۴. والدین سرد و کنترل‌کننده (مستبد)

یعقوب خانی غیاثوندی (۱۳۷۲) از روش تحلیل عاملی و با استفاده از چرخش واریمکس برای تایید روایی سوالات استفاده کرد. سوالات ۱-۴۲ روی عامل دوم بار بیشتری دارد که این عامل با توجه به مفاهیم، دربرگیرنده بعد کنترل بود و سوالات ۴۳-۷۲ با عامل بعد محبت همبستگی بالایی را نشان داد. در کل نتیجه تحلیل عوامل تأییدکننده اعتبار عاملی سوالات بود و نظر سازنده پرسشنامه را مبنی بر این که این ابزار دو بعد را مورد سنجش قرار می‌دهد، تأیید نمود.

در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب پایایی به دست آمده برای بعد کنترل ۰/۷۸، برای بعد محبت ۰/۹۴ و برای کل آزمون ۰/۸۹ می‌باشد.

- برای سنجش خود کارآمدی از پرسشنامه خود کارآمدی عمومی شرز و همکاران استفاده شد. این پرسشنامه در مقیاس لیکرت و با ۱۷ سوال تدوین شده است که در مقابل هر سوال ۵ گزینه از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم وجود دارد. پایین‌ترین نمره ۱۷ و بالاترین نمره ۸۵ می‌باشد.

برای سنجش اعتبار سازه‌ای مقیاس خود کارآمدی، امتیازات به دست آمده با اندازه‌های چندین ویژگی شخصیتی همبسته شده است. این اندازه‌های شخصیتی در برگرفته‌ی مقیاس کنترل درونی - بیرونی راتر، خرده مقیاس کنترل شخصی، مقیاس IE (گورین و لائودتینی)، مقیاس درجه اجتماعی (مارلو - کراون) و شایستگی بین فردی (روزنبرگ) می‌باشد (نقل از مقیمی‌فام، ۱۳۷۹).
ضریب پایایی به دست آمده از طریق آلفای کرونباخ در این پژوهش برابر ۰/۸۲ است.

- به منظور سنجش سلامت روانی دانش‌آموزان از پرسشنامه سلامت عمومی که توسط گلدبرگ و هیلر تدوین شده است، استفاده شد. این پرسشنامه به منظور شناسایی اختلالات روانی غیر روان گسیخته ابداع شده است. در جمعیت عادی برای تشخیص اختلالات روانی ضعیف از این پرسشنامه استفاده شده است. کاربرد وسیع این پرسشنامه منجر به این شده که به ۳۶ زبان زنده دنیا ترجمه شود. این پرسشنامه حاوی ۲۸ سوال در مقیاس‌های چهارگانه نشانه‌های جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و علایم افسردگی می‌باشد. در این آزمون از آزمودنی خواسته می‌شود تا براساس یک مقیاس چهار درجه‌ای به سوالات پاسخ دهد. کل نمره‌ها ۸۶ است و نقطه برش بالای ۲۳ است که افراد مشکل دار تشخیص داده می‌شوند.

سوالات پژوهش

- ۱- شیوه‌های فرزندپروری والدین چگونه است؟
- ۲- وضعیت خود کارآمدی دانش‌آموزان چگونه است؟
- ۳- سلامت روانی دانش‌آموزان چه وضعیتی دارد؟
- ۴- آیا بین سلامت روانی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟
- ۵- آیا شیوه‌های فرزندپروری والدین با توجه به رشته تحصیلی دانش‌آموزان متفاوت است؟
- ۶- آیا خود کارآمدی دانش‌آموزان با توجه به رشته تحصیلی آنها متفاوت است؟
- ۷- آیا سلامت روانی دانش‌آموزان با توجه به رشته تحصیلی آنها متفاوت است؟
- ۸- آیا بین خود کارآمدی دختران و پسران تفاوت وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- خود کارآمدی دانش‌آموزان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین متفاوت است؟
- ۲- سلامت روانی دانش‌آموزان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین متفاوت است؟
- ۳- بین خود کارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان رابطه مثبت وجود دارد؟

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا شیوه‌های فرزندپروری دانش‌آموزان تعیین شد که این شیوه‌ها به این صورت به دست آمد: ۱/۱۶٪ از والدین مستبد ۷/۲۴٪ والدین سهل‌گیر، ۹/۲۳٪ والدین بی‌اعتنا و ۳/۳۵٪ از والدین مقتدر هستند. توزیع فراوانی خودکارآمدی به صورت کجی منفی است که نشان می‌دهد تعداد زیادی از دانش‌آموزان خود کارآمدی بالایی دارند. در مورد سلامت روانی دانش‌آموزان ۶/۵۳٪ از آنها در گروه مشکوک به اختلال در سلامت عمومی و روانی قرار گرفته‌اند و ۴/۴۶٪ در گروه سالم جای گرفته‌اند. در مورد تفاوت سلامت روانی دانش‌آموزان دختر و پسر از t مستقل استفاده شد که نتیجه به دست آمده از نظر آماری تفاوت معنی‌داری را نشان نداد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عقیده دانش‌آموزان در مورد کنترلی که والدین در مورد آنها اعمال می‌کنند، به صورت منحنی نرمال است. یعنی این که بیشتر دانش‌آموزان کنترلی را که والدین در مورد آنها اعمال می‌کنند، در حد متوسط می‌دانند و تعداد کمی از آنها این کنترل را بسیار زیاد و یا کمتر از میانگین قلمداد می‌کنند. ولی در مورد بعد محبت، بیشتر آزمودنی‌ها محبتی را که از طرف والدین خود احساس می‌کنند، به صورت زیاد ارزیابی کرده‌اند و تعداد کمی از آنها محبت والدینشان را کم ارزیابی می‌کنند. این مساله نشان می‌دهد که دیدگاه والدین نسبت به عواطف و احساسات فرزندان انعطاف‌پذیرتر شده است و در مورد شیوه‌های فرزندپروری بیشتر والدین در شیوه فرزندپروری مقتدر قرار دارند و کمترین آنها شیوه فرزندپروری مستبد را در مورد فرزندان اعمال می‌کنند. با توجه به گسترش اطلاعات در مورد شیوه‌های فرزندپروری، نگرش والدین نیز در بسیاری از زمینه‌ها دستخوش تغییر شده است و امروزه والدین نسبت به نیازهای فرزندان خود آگاه‌تر و هوشیارتر و احتمالاً بمراتب انعطاف‌پذیرتر شده‌اند.

نتایج مربوط به سلامت روانی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که تعداد بیشتری از آنان در گروه مشکوک به اختلال قرار دارند. آزمودنی‌های این پژوهش در دوره حساس نوجوانی هستند. در این مرحله نوجوانان احساس می‌کنند که بزرگ شده و دوران کودکی را سپری کرده‌اند و تمایل شدیدی به استقلال در خود می‌بینند ولی هنوز (همانند دوران کودکی) خود را از هر لحاظ وابسته به والدین می‌بینند. این مسأله می‌تواند از لحاظ روحی فشارهایی را بر نوجوان وارد کند. علاوه بر این در این دوره نوجوانان خواسته‌هایی دارند که عرف جامعه آنها را قبول ندارد و از طرف دیگر والدین و جامعه خواسته‌هایی از نوجوانان دارند که با شور و حال دوران نوجوانی همخوانی ندارد. این مسایل فشارها و استرس‌هایی را بر نوجوان وارد می‌کند که می‌توان سلامت روانی پایین نوجوانان را تا حدی به این مسایل نسبت داد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که خود کارآمدی دانش‌آموزان با توجه به شیوه فرزندپروری آنها متفاوت است. برجعلی (نقل از محرابی، ۱۳۸۳) یکی از دلایل اینکه چرا شیوه فرزندپروری مقتدرانه موجب حمایت از شایستگی فرزندان می‌شود، را این گونه عنوان کرده است که توقع والدین مقتدر با توانایی فرزندان در پذیرفتن رفتارهای خویش متناسب است. از این رو این گونه والدین کودکان را متقاعد می‌کنند که افراد با کفایتی هستند و می‌توانند در کارها موفق شوند و این برخورد موجب رفتار پخته و مستقل و افزایش سطح حرمت خود می‌شود.

والدین مقتدر، هم برای رفتار خودمختارانه و هم انضباط ارزش قائلند زیرا معتقدند که کنترل منطقی و نیز آزادی حساب شده موجب می‌گردد کودکان قوانین و اصول رفتارهای صحیح را درونی کنند، و در قبال رفتار و اعمال خود احساس مسؤلیت نمایند. این والدین علاوه بر این که گرم و بامحبت هستند، کودکان‌شان را به طرف استقلال سوق می‌دهند. علاقه زیادی دارند که دلایل هر عمل و خواسته را برای کودک روشن کنند (سدرو؛ نقل از رضایی، ۱۳۷۵).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سلامت روانی دانش‌آموزان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری متفاوت است. فطین حور (۱۳۷۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال رفتار و مادران کودکان بهنجار در استفاده از شیوه‌های فرزندپروری استبدادی تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنی که بین اختلالات رفتاری در کودکان و شیوه فرزندپروری مستبدانه مادران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود از طریق مراکز مشاوره به والدین آموزش داده شود اگر در رفتار با کودکان بصورت مقتدر عمل کنند، یعنی در عین حال که کودکان‌شان را کنترل می‌کنند محبت بی‌شائبه‌ای را نیز نثارشان کنند، رفتار آنها بر سلامت روان و خود کارآمدی کودکان‌شان تأثیر مثبت خواهند گذاشت. همچنین والدین و کارکنان مدارس با ایجاد تجربه‌های موفق، الگوهای موفق و همچنین تشویق‌های کلامی برای دانش‌آموزان، خود کارآمدی آنها را افزایش دهند تا بدین وسیله سلامت روانی دانش‌آموزان نیز بیشتر شود. همچنین از طرف والدین و مسئولان به حالات روحی روانی دانش‌آموزان توجه بیشتری شود تا در صورت مشاهده علائم ناراحتی با اقدام سریع در این رابطه از مزمن شدن این ناراحتی‌ها جلوگیری به عمل آید.

منابع و مراجع

- [۱] احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد (۱۳۷۸). روانشناسی رشد نوجوانی و بزرگسالی. تهران: چاپ بنیاد.
- [۲] احدی، حسن؛ محسنی، نیکچهر (۱۳۷۱). روانشناسی رشد مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک. تهران: نشر بنیاد.
- [۳] اکبری، رسول (۱۳۸۲). بررسی شیوه‌های رویارویی با تنیدگی روانی (استرس) و رابطه آن با سلامت روانی در دانش‌آموزان متوسطه سراب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- [۴] ایروانی، محمود؛ ایزدی، مریم (۱۳۷۸). بررسی ارتباط بین سبک‌های اسنادی و وضعیت سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. مجله دانش‌پژوه، شماره اول، پاییز، ص ۷ تا ۲۰.
- [۵] بیرامی، منصور (۱۳۷۸). خانواده و آسیب‌شناسی آن. تبریز: انتشارات آیدین.
- [۶] دهقانی، عبدالله (۱۳۷۹). مقایسه بین شیوه‌های فرزندپروری و خودتنظیمی تحصیلی و تاثیر بر موفقیت در درس‌های فارسی و ریاضی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- [۷] رائی، مهدی (۱۳۸۲). بررسی رابطه گرایش دینی با عزت‌نفس و خودکارآمدی در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- [۸] رضایی (۱۳۷۵). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران (اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی) با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم مدارس راهنمایی اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران. پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه تربیت معلم.
- [۹] سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی. تهران: نشر آگاه.
- شا [۱۰] ملو، سعید (۱۳۷۲). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد.
- ش [۱۱] ریفی، علی (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین سلامت عمومی با رضایت شغلی کارکنان شرکت تولید برق نیروگاه شهر تبریز در سال ۸۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- ع [۱۲] لی نیا کروثی، رستم (۱۳۸۲). بررسی رابطه مفهوم خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان پایه سوم شهر بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه.
- غ [۱۳] فوری، منصور (۱۳۷۶). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت، مرکز کنترل، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- ف [۱۴] طین حور، شهاب (۱۳۷۴). بررسی رابطه اختلالات رفتاری فرزندان با شیوه‌های فرزندپروری مادران در بین دانش‌آموزان پسر کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهر اردبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- کا [۱۵] پلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین (۱۳۷۰). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری - روانپزشکی بالینی. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری. تبریز: انتشارات ذوقی.
- [۱۶] کریم‌زاده، منصور (۱۳۸۰). بررسی رابطه مفهوم خود (تحصیلی و غیرتحصیلی) و خودکارآمدی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر شهر تهران (گرایش‌های ریاضی فیزیک و علوم انسانی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

[17] Bandura, A. (1997). Self – efficacy: The exersice of control. New york: Freeman.

[18] Glasgow, K. I.; Dornbusch, S. M.; Troger, D. L., Steinberg, L., & Ritter P. L (1997). Parenting styles, adolescent's attributions and educational outcomes in nine heterogeneous high schools. Child Development. vol. 68, N3. pp 507-529.

[19] Hardy, D. F., Power; T. G & Jaedicke, S (1993). Examining the relation of parenting to childrens coping with every day stress. Child Development, vol. 64, p:18-48.

- [20] Jennings, K. D. and Abrew, J. A. (2004). Self – efficacy: 18 month-old toddlers of depressed and nondepressed mother. *Applied Development psychology*. vol 25, p. 133-143.
- [21] Karademas, C. E. and Azizi, K. A. (2004). The stress process, self efficacy expectations and psychological Health. *Personality and Individual Differences*. vol. 37 p. 1033-1043.
- [22] Katanin, S. et al. (1997). Childhood tempement and mother’s child rearing attitude. *European Journal of personality*. Vol 11 p. 249-265.
- [23] Kim, Y. H., (2003). Correlation of Mental Health problem with psychological constructs in Adolescents. *International Journal of Nursing studies*. vol. 40, p. 115-124.
- [24] Muris, P (2002). Relationships between Self – efficacy and symptoms of anxiety disorders and depression in a normal adolecent sample. *Personality and Individual Differences* 32. pp 337-348.
- [25] Pagres, F (1996). Self-efficacy bliefs in academic setting. *Journal Review of Educational. Reaserch* vol 66. No 4.pp 543-578.
- [26] Pervin. L. A. & O. P. John (2001). *Personality: theory & Research*, 8th ed. New york: wileg.
- [27] Pintrich, P. R. and De Groot, E. V. (1990). Motivation and self – regulated learning. *Journal of Educational psychology*. vol, 82 p. 33-40.
- [28] Rey, J. M. and plop, J. M. (1990). Quality of percieved parenting in positional and conduct Disorder Adolescents. *Journal of American Academy of child and Adolescents psychiatn*. 29 p. 382-389.